

جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۹، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

بازخوانی هویت شهر تهران بر اساس خوانش تحولات معماری

از ادبیات داستانی ایران

سمیرا ارجمندی^۱، منصور یگانه^۲

چکیده

موضوع این مطالعه، شناخت روند تغییر هویت معماری و شهر تهران از اوایل دوره قاجار تاکنون و تبیین این تغییر با استفاده از نظریه بازتاب در جامعه‌شناسی هنر است. در این پژوهش با مطالعه رمان‌های قبل و بعد از انقلاب و تفسیر جزئیات معنایی در باب شهر و معماری تهران به بازخوانی هویت شهر تهران پرداخته شده است. تکنیک‌های تحلیل کیفی و کمی تحلیل محتوا و تحلیل تفسیری در تحلیل گزاره‌های مرتبط به کار رفته‌اند. مطالعه نشان می‌دهد که تحولات گسست هویتی معماری و شهر از تغییر ارزش‌ها و هنجارهای نخبگان و طبقات روبه‌رشد شروع شده است و به تدریج گروه‌های اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌ها را با خود همسو کرده و نیازهای هیجانی و فانتزی مشترک معمارانه و فضای شهری را به‌عنوان رؤیا و تخیلات کلیت جامعه القا کرده است.

واژگان کلیدی

بازخوانی هویت، بستر اجتماعی، رویکرد بازتاب، معماری تهران، نخبگان، کلیت جامعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۱

۱. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران Email: samira.architect@gmail.com

۲. دکترای معماری، استادیار گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: yeganeh@modares.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

هویت معماری و شهری یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی یک جامعه محسوب می‌شود و تداوم آن می‌تواند به هویت جمعی و ملی کمک شایانی نماید. از آنجایی که در سده‌های اخیر روند تحولات معماری ایران سیر قهقراپی طی کرده و به افول کیفیت آن منجر شده است، شناسایی روند و عوامل و مصادیق آن در بازتعریف این هویت و همچنین پیش‌بینی شرایط مشابه آینده ضرورت دارد. با توجه به اینکه شروع روند تغییرات اجتماعی و معماری از پایتخت بوده است، بنابراین برای بررسی روند تغییر و تحول در معماری و شهرسازی کشور، هویت تاریخی و معماری شهر تهران مبنای مطالعه قرار گرفته است. از طرفی پایتخت هر کشوری در اشاعه فرهنگ و تمدن و هویت آن سرزمین نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. بنابراین با توجه به حجم انبوه ساخت‌وسازها در شهر تهران به‌عنوان پایتخت ایران باید روند شکل‌گیری هویت معماری و روند تغییرات آن از منابع مختلف بررسی شود. علی‌رغم اینکه شهر تهران حدود ۲۲۰ سال قدمت دارد، اما هویت فرهنگی و تاریخی آن مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. برای بازخوانی و زنده نگه داشتن هویت تاریخی معماری، علاوه بر اسناد و متون معماری، می‌توان اسناد و مدارکی را بازخوانی کرد که پدیدآورندگان آن تعصب و ذهنیت خاصی به معماری نداشتند و عمدتاً هم وابسته به زمینه فرهنگی و اجتماعی آن تغییرات بوده‌اند و هم اینکه کمتر از پیش‌داوری‌های ارزشی و سوگیرانه نشئت گرفته‌اند. ادبیات داستانی ایران یکی از منابع مهم و غنی در بازشناخت این هویت تاریخی است.

ادبیات، در میان سایر هنرها رسانه‌ای است که با استفاده از زبان کلامی به وجود می‌آید (راوودراد، ۱۳۸۲: ۹). در ادبیات، معانی از طریق زبان منتقل می‌شوند (سارتر، ۱۹۵۰). زبان

به‌عنوان یک نظام از علامت‌ها با نظامی از نوشته‌ها، الفباها، مراسم آیینی، فرمول‌های اخلاقی، علائم نظامی و مانند آن قابل مقایسه است. اما در این میان، این نظام‌ها از همه مهم‌تر هستند (سوسور، ۱۹۶۶: ۱۴). زبان اساس ادبیات است. کلمات علائم‌اند؛ آنها ابزاری هستند که نویسندگان برای انتقال معنا به‌کار می‌برند (همان: ۱۳). کلمات در خودشان معنایی ندارند، آنها ابزاری هستند که از طریق آنها مفاهیم منتقل می‌شوند (سارتر، ۱۹۵۰: ۱۴). تفاوت اساسی میان ادبیات و سایر هنرها این است که هدف ادبیات انتقال معنا از طریق استفاده از علائم زبانی است. در ادبیات این محتواسست که در وهله اول اهمیت است، در حالی که در سایر هنرها سبک بر محتوا ارجحیت پیدا می‌کند و محتوا تعیین‌کننده شکل است (لوکاچ، ۱۹۶۹: ۱۹). محتوای آثار ادبی، محصول واقعیت‌ها و ساخت‌های اجتماعی معاصرشان هستند. وحدت دیالکتیکی شکل و محتوا اهمیت آثار هنری را تعیین می‌کند.

در این مقاله با بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناسی هنر، سعی در بررسی نسبت تحولات اجتماعی و تغییر و تحولات در هویت شهر بر اساس بازخوانی معماری و شهرسازی داریم. بدین منظور پس از بررسی مبانی هویتی و بازخوانی آن و نقش ادبیات در این بازخوانی، به بررسی رویکردهای جامعه‌شناسی هنر در زمینه چگونگی ارتباط جامعه و هنر و معماری می‌پردازیم و مناسب‌ترین رویکرد را برای تبیین این رابطه به‌عنوان رویکرد نظری پژوهش در نظر می‌گیریم.

در راستای دستیابی به این اهداف، سؤال‌های زیر مطرح می‌شوند:

روند تحولات هویت شهرتهران چگونه است؟

این تحولات هویت معماری و شهری تهران بر اساس ادبیات داستانی ایران چگونه

قابل تبیین است؟

فرضیه‌های این پژوهش آن است که تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های نخبگان و حاکمان باعث شکل‌گیری تخیلات و هیجانانگیز فانتزی طبقات روبه‌رشد جامعه در حوزه معماری و شهر و فضاهای عمومی شده، و در نتیجه کلیت ذائقه زیبایی‌شناختی فضا و سبک معماری جامعه را به سمت نمونه‌ها و مصادیق غیراصیل سوق داده است. شکل‌گیری نیازهای جدید، جذابیت‌های فضایی و کاربری‌های جدید با عدم پاسخگویی مناسب در ارائه الگوها و سبک‌های معماری و فضای شهری دلیل اصلی این تغییر بوده است.

ادبیات نظری بازشناسی هویت تاریخی معماری و شهری از ادبیات داستانی

ادبیات داستانی به معنای وسیع آن در زبان فارسی دوازده قرن سابقه دارد. داستان‌های کوتاه یا بلند می‌توانند بخش‌هایی از واقعیت و تخیلات در مورد تحول شهر را روشن کنند و اگر پذیرفته شود که "ادبیات آیینی حوادث و رخدادهای جاری و تاریخ ملت‌هاست" می‌توان آنچه در این روزگاران به قلم آمده است، بستری برای تحلیل و تفسیر شهر قرار داد. در ادبیات داستانی ایران نیز نویسندگان ایرانی در لابه‌لای سطور خود از ذکر جزئیات معماری قصور نکرده‌اند و منبع غنی از اطلاعات معماری و شهرسازی دوره‌های پیشین را برای ما به‌جا گذاشته‌اند. چنانکه نویسندگان معاصر نیز در زمان حال این وظیفه را به‌خوبی انجام می‌دهند.

مارسل پروست و شاهکار هفت جلدی‌اش "در جستجوی زمان از دست‌رفته" آن‌قدر مهم است که یک ساختمان معمولی و دورافتاده مثل کلیسای کومبره به‌واسطه اینکه در این کتاب وصفش آمده است، تبدیل به یکی از کلیساهای معروف در تمام دنیا شود. یکی از عناصر هر داستانی، لوکیشن و مکانی است که قصه در آن تفاق می‌افتد. برای بسیاری از نویسندگان معمولاً جریان داستان آن‌قدر مهم است که ترجیح می‌دهند به مکان به‌عنوان

عنصر درجه دوم یا سوم نگاه کنند. این نگاه بی تفاوت به عنصر مکان در داستان حتی در شاهکارهای نویسندگانی بزرگ مثل داستایوفسکی هم دیده می شود. اما عنصر مکان همیشه برای نویسندگان عنصری درجه دوم نیست. در بعضی شاهکارهای ادبی، مکان آنقدر اهمیت دارد که نویسنده ناگزیر است داستان را در ذیل آن و بعد از وصف کامل فضا روایت کند. در این داستان ها مکان آنقدر اهمیت پیدا می کند که اگر حذف شود یا تغییر کند، داستان به هم می ریزد.

نمونه هایی از این مکان های تأثیرگذار را در داستان های زیر پیدا می کنیم:

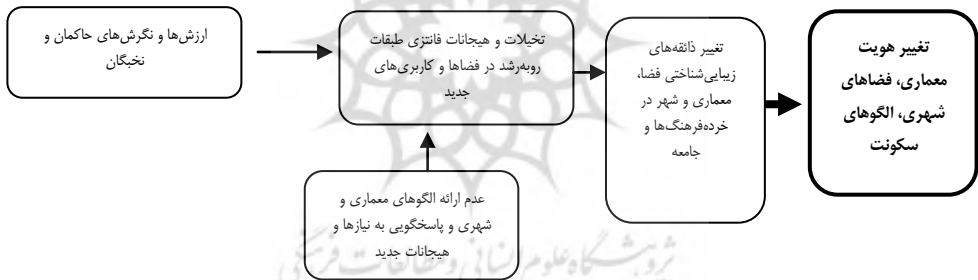
- کلیسای جامع نوتردام پاریس "در گوزپشت نوتردام"
 - تئاتر وارپته در مسکو در داستان "مرشد و مارگاریتا"
 - بلوار نوئسکی سن پترزبورگ بلوار محبوب آقای گوکول در "یادداشت های یک دیوانه"
 - میدان قدیمی پراگ در داستان های میلان کوندرا و بهومیل هرابال (امیرشاهی، ۱۳۹۰).
- در توصیف مکان ها بعضی نویسندگان آنها را با جزئیات چنان توصیف می کنند که فضا در ذهن خواننده نقش می بندد؛ به طوری که می توان از این منابع به عنوان مدارک و مستندات تاریخی معماری یک شهر استفاده کرد و حتی با واقعیت تطبیق داد و به مقایسه با مستندات تصویری پرداخت. از این رو، رابطه معماری و هویت مکان ها با ادبیات داستانی انکارناپذیر است. در زمینه ارتباط ادبیات و چگونگی بازتاب جامعه توسط آن نظریه هایی در جامعه شناسی هنر مطرح است که برای ادبیات نظریه بازتاب مناسب تری دارد.
- هنر حاوی اطلاعاتی راجع به جامعه است. رویکرد بازتاب بر این ایده استوار است که هنر همواره چیزی درباره جامعه به ما می گوید (الکساندر، ۱۳۹۰: ۵۴). از آنجاکه هنر از سوی گروه های اجتماعی غالب خلق و منتشر می شود، محتوای آن نیز میل به بازتاب نظم

اجتماعی غالب دارد (دنيس و هیومز^۱، ۱۹۹۵؛ دوبین^۲ ۱۹۸۷؛ هامفری^۳ و شومن^۴، ۱۹۸۴؛ ملرمن^۵ ۱۹۹۲؛ تیبودیو^۶، ۱۹۸۹؛ ون دبرگ^۷، ۱۹۸۴). رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر شامل تحقیقات متنوع و گسترده‌ای است که فصل مشترک تمامی آنها این باور است که هنر آیینۀ جامعه است یا توسط جامعه مشروط یا تعیین می‌شود. در این رویکرد، تحقیق بر آثار هنری متمرکز می‌شود تا دانش و فهم ما را از جامعه ارتقا دهد (امیر شاهی، ۱۳۹۰: ۵۵). این رویکرد نظری، راهبردهای تحقیق متنوعی دارد که شامل تحلیل تفسیری، تحلیل محتوا و نشانه‌شناسی ساختاری است.

در مورد بازتاب جامعه در هنر موضوع محوری این است که چه چیزی و چه کسی بازتاب می‌شوند. آلبرشت^۸ (۱۹۵۴) شش دیدگاه درباره شیوه بازتاب جامعه در هنر شامل ۱. بازتاب هنجارها و ارزش‌های جامعه، ۲. نیازهای هیجانی و فانزیهی‌های مشترک، ۳. تخیلات و رویاهای جامعه، ۴. بازتاب روح اساسی جامعه یا روح‌زمانه، ۵. بازتاب شرایط اقتصادی نخبگان و طبقات روبه‌رشد و ۶. روندهای جمعیت‌شناختی است. پیترسون (۱۹۷۹) نیز بر این دو نکته تأکید می‌کند که هنر چگونه کلیت جامعه را منعکس می‌کند و اینکه هنر چگونه خرده‌فرهنگ مصرف‌کننده آنرا بازتاب می‌دهد. علاوه بر این موارد، موضوعاتی چون اسطوره‌ها، تصورات قالبی، نظم‌های آماری یا حوادث غیرمعمول نیز می‌توانند مورد بازتاب قرار گیرند (الکساندر، ۱۳۹۰: ۶۹).

1. Dines & humez
2. Dubin
3. Humphery
4. Schuman
5. Merelman
6. Thibodeau
7. Van Deberg
8. Albrecht

نظریه بازتاب در مورد هنرهای مثل ادبیات به‌ویژه رمان که در آن محتوا بسیار اهمیت دارد، مفید است. در بازشناسی هویت تاریخی معماری ایران، منابع متعددی کمک‌حال معماران و پژوهشگران ایرانی است. اما باید به این نکته توجه کرد که معماران با قصد و نیت و موضع‌گیری خاصی متون معماری را نوشته‌اند. بدین معنی توصیفات که ارائه کرده‌اند، کاملاً با دید معمارانه ارائه شده است. درحالی‌که در شاخه ادبیات داستانی، افراد ناخودآگاه به این مسائل پرداخته‌اند و این نکته بسیار قابل‌توجه و حائز اهمیت است. از طرفی در بازشناسی هویت از متون و اسناد معماری این خطر وجود دارد که تنها بُعد کالبدی معماری در ساختمان‌های شاخص مورد توجه قرار گرفته باشد. اما در ادبیات داستانی بدون پیش‌داوری خاصی همه فضاها در فضاهای شهری بنا به روایت داستان از بالا تا پایین شهر و از هر کالبدی مورد توجه قرار می‌گیرد.



نمودار ۱. مدل نظری پژوهش (نگارندگان)

چارچوب روش‌شناختی

روش تحقیق این نوشتار با توجه به مدارک و اسناد تاریخی، روش تحقیق اسنادی و تاریخی - تفسیری است. همچنین تکنیک تحلیل محتوا و تحلیل تفسیری نیز استفاده شده است. برای جمع‌آوری و مشخص کردن نمونه‌ها، جمعیت آماری مشخص و با دسته‌بندی

خوشه‌ای منابع نهایی تعیین شده‌اند. برای اعتبارسنجی نمونه‌ها به اساتید متخصص این حوزه مراجعه شده است، و واحدهای تحلیل مشخص شده‌اند.

تحلیل محتوای کمی و کیفی: در این نوشتار رمان‌ها به صورت کمی و کیفی مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند. در رمان‌ها عبارات و گزاره‌هایی که به نحوی در ارتباط با روند تغییر هویت معماری بودند، مورد تحلیل قرار گرفتند. در داستان‌های ارائه شده، جزئیاتی دیده می‌شد که فراتر از توجه نویسنده به مفاهیم و روندهای مورد نظر بود، ولی مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند. بدین معنی که شاید مفهوم و معنی مورد نظر نویسنده، این جزئیات و مفهوم به صورت مستقیم نبوده باشد، اما در تحلیل ما درباره هویت تاریخی-فرهنگی معماری تهران منابع پر اهمیتی به شمار می‌آمدند.

جمعیت آماری: ابتدا تمام داستان‌های مربوط به شهر تهران مورد بررسی مقدماتی قرار گرفتند. داستان‌ها از فهرست داستان‌های نویسندگان معاصر انتخاب شدند. این نویسندگان، نویسندگانی بودند که تألیفات آنها بیشتر از باقی نویسندگان به حوزه‌های معماری و شهرسازی، همچنین هویت تاریخی و فرهنگی ایران مربوط می‌شد. همچنین موضوع و شهر مورد بررسی در داستان‌هایشان باید تهران می‌بود، پس بسیاری از داستان‌هایی که در مورد شهر تهران نبود از فهرست داستان‌ها حذف شدند.

تعداد داستان‌های مرتبط: داستان‌های کوتاه و بلندی که به نحوی اطلاعاتی در مورد هویت تاریخی - فرهنگی تهران می‌داد، از زمان قاجار تا معاصر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفتند.

تعداد داستان‌های منتخب: ۳۶ داستان از بین داستان‌های کوتاه و بلند انتخاب شد که همه اطلاعاتی در مورد ابعاد اجتماعی-فرهنگی شهر تهران یا ابعاد کالبدی تهران در خود داشتند، که در هر مورد در قسمت مربوط ذکر شده است.

روش انتخاب نمونه‌ها: رمان‌های بسیاری در بخش ادبیات داستانی ایران موجود بود. از نویسندگان معاصر برتر رمان‌هایی وجود داشت که بستر اتفاقاتشان تهران نبود، مانند رمان‌های ابوتراب خسروی و دسته دیگر رمان‌هایی بودند که بسترشان تهران بود، اما دغدغه نویسنده بیشتر توصیف اتفاقات و جزئیات مربوط به داستان بود و در حیطه این پژوهش قرار نمی‌گرفت. در انتها رمان‌هایی را بررسی کردیم که در آنها با کمک توصیفات نویسنده از جزئیات معماری و شهرسازی، بتوان هویت تاریخی و فرهنگی تهران را شناسایی کرد. به بیانی دیگر در بررسی رمان‌ها دو معیار کالبدی (تصویری) و معنایی (توصیفی) را در نظر گرفتیم بدین معنی که:

۱. رمان‌هایی وجود دارند که کالبد شهر تهران را (بخش‌های معماری و شهری مانند

نما، مصالح و ...) توصیف کرده‌اند که در دسته معیارهای کالبدی قرار می‌گیرند.

۲. در دسته دیگر رمان‌هایی قرار دارند که حاوی توصیفات عملکردی، فرهنگی واجتماعی-تاریخی هستند و تصویری ذهنی را از تهران، به خواننده ارائه می‌دهند و در دسته معیارهای معنایی قرار می‌گیرند.

واحدهای تحلیل: ۱. دوره‌های تاریخی؛ ۲. داستان‌هایی که چه از نظر دارا بودن معیارهای

کالبدی و چه معیارهای فرهنگی-اجتماعی حاوی اطلاعاتی در مورد هویت شهر تهران از دوران قاجار تا دوران معاصر بوده‌اند.

اعتبارسنجی نمونه‌ها: در بخش انتخاب رمان‌ها از نظرات اساتیدی همچون جلال ستاری،

امیر معقولی و همایون نوری‌پناه که در حوزه ادبیات داستانی تهران سابقه‌های پژوهشی و نویسندگی داشتند نیز استفاده شد.

در جدول ۱ ابعاد مفهومی و عملیاتی تغییر هویت شهر تهران بر اساس رمان‌ها و ادبیات

داستانی ارائه شده است.

جدول ۱ - ابعاد مفهومی و عملیاتی تغییر هویت معماری و شهری تهران

تعریف عملیاتی	ابعاد تغییر هویت در معماری و شهر تهران
تضاد طبقاتی و تفکیک محله‌های فقیر و غنی، تظاهر بیرونی بیشتر ساختمان‌ها، شهر مکان هنجارهای تازه و بروز رفتارهای نو	تغییر شیوه و الگوی سکونت
تزئینات غیربومی - سبک معماری مدرن - برون‌گرایی در عناصر توصیف‌شده معماری ایران	سبک‌های معماری جدید و غیربومی
نظم هندسی جدید شهر - فضاهای گسیخته و باز	فضاهای شهری بی‌مقیاس
مقیاس غیرانسانی فضاها، تناسب غیرمرسوم	فضای معماری نامأنوس
مصالح نوین و غیربومی - مصالح ناسازگار با اقلیم تهران - مصالح شفاف و عریان	مواد و مصالح ناهمگون
کاربری‌های جدید، عناصر جدیدی مانند سینما، کافه، بلوار، گاراژ و پاساژ	کاربری‌ها و فضاهای جدید

در جدول ۲ زیر ابعاد مفهومی و عملیاتی مرتبط با عوامل مربوط به ایجاد دگرگونی و تغییر در هویت معماری و شهری تهران که بر اساس مبانی نظری استخراج شده‌اند، ارائه شده است.

جدول ۲ - ابعاد مفهومی و عملیاتی تغییر هویت معماری و شهری تهران

تعریف عملیاتی	ابعاد دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌ها، تخیلات و ذائقه‌ها
انتقال مظاهر معماری و شهرسازی مدرنیستی تغییر ارزش‌های مطلوبیت فضایی روحیه تجددطلبی نخبگان و حاکمان و تمایل به استفاده از مظاهر جدید تمدن قدرت‌نمایی حکومت مرکزی و روحیه تجددطلبی و نشان پیشرفت	ارزش‌ها و نگرش‌های حاکمان و نخبگان

<p>احساس نیاز به بناهای و کاربری‌های جدید و مدرنیستی گرایش به استفاده از مظاهر فضاها و بناهای مدرنیستی جست‌وجوی هویت غیر خاطره‌زدایی</p>	<p>تخیلات و هیجانات فانتزی طبقات روبه‌رشد در فضاها و کاربری‌های جدید</p>
<p>تمایل به بناهای باشکوه و باعظمت ازدحام و سرزندگی نورپردازی و زندگی شبانه سبک‌های معماری غربی آپارتمان‌نشینی مصالح نوین</p>	<p>تغییر ذائقه‌های زیبایی‌شناختی فضا، معماری و شهر در خرده‌فرهنگ‌ها و جامعه</p>

تحلیل تجربی یافته‌ها

با تحلیل محتوای رمان‌هایی که به نحوی مربوط به فضای معماری و شهری هستند، روند تحولات هویتی آن مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

❖ انسان مدرن ایرانی، بستر داستان‌های هدایت و جمالزاده

یکی از مسائلی که ایران از دوران قاجار با آن روبه‌رو بوده است، ارتباط گسترده با غرب بود. این مسئله موجب تبادل دیدگاه‌های فکری شد. نگاهی پوچ‌گرایانه که خود شاخه‌ای از مدرنیته اروپایی است در ذهن و اندیشه روشنفکر ایرانی نیز رسوخ کرده است (حبیبی، ۱۳۹۱). رمان‌های جمالزاده و داستان‌های صادق هدایت از نمونه‌هایی هستند که در دسته‌بندی معیارهای معنایی قرار می‌گیرند و در زیر به آنها پرداخته می‌شود.

سرباز سربی: در داستان "سرباز سربی" نوشته بزرگ علوی می‌توان شاهد نگاهی جدید به انسان و ارزش‌گذاری او بود (جمالزاده، ۱۳۵۴). در چنین فضایی است که اندیشه‌های نو و نوپردازانه به‌دنبال گسست تاریخی از انسان گذشته، شخصیت انسان مدرن را به‌عنوان

یکی از دو شخصیت اصلی قصه شهر تهران تعریف می‌کند. از آنجاکه این دوران عصر گذار از هنجارهای گذشته و حرکت به سوی تعریف مجدد ارزش‌هاست، در بسیاری از موارد می‌توان به نظاره تقابل این دو نظام نشست. هدایت در داستان کوتاه "تخت ابونصر" نمونه‌ای از نقد انسان سنتی از شخصیت انسان مدرن و عقل‌محوری او را از زبان یکی از شخصیت‌های داستانش مطرح می‌کند.

تخت ابونصر: "امروز بشر از روی خودپسندی اعتقادش را از طبیعت بریده شده و بواسطه کشفیات و اختراعاتی که کرده خودش را عقل‌کل می‌پندارد و ادعا دارد که همه اسرار طبیعت را کشف کرده است. ولی در حقیقت از پی بردن به ماهیت کوچک‌ترین چیزی ناتوان است." (هدایت، ۱۳۵۴).

بخش دیگری از شخصیت‌پردازی تهران مدرن در قصه شهر تهران را می‌توان در مفهوم "شهر به‌مثابه مکان تظاهرات سیاسی و اعتراضات عمومی" جست‌وجو کرد. "حضور مردم که از زمان انقلاب مشروطه بشکل مدرن آن در عرصه شهرها برای اعمال فشار بر حاکمیت آغاز شده بود در این سال‌ها خود بخشی از شخصیت شهر می‌شود و خیابان‌های شهر عرصه تقابل اندیشه‌های سیاسی می‌شوند که در مقابل یکدیگر قد علم می‌کنند. انقطاع از باورهای قدیمی و حتی ارزش‌های دینی و مذهبی در آن زمان بصورت گسترده‌ای تعریف‌کننده شخصیت انسان در داستان شهر تهران در مقایسه با انسان جهان ماقبل مدرن بود" (حبیبی، ۱۳۹۱).

تهران مدرن و عناصر شهری جدید

"قصه تهران در حقیقت ماجرای گفت‌وگوی انسان مدرن به‌شکلی که شرح آن رفت با تهران مدرن است. تهرانی که در حال دگرگونی و دگرگونی است؛ تغییر چهره می‌دهد و

رنگ و رو عوض می‌کند. با تغییر انسان شهر نیز دگرگونی را تجربه می‌کند. شهر جدید بستر شکل‌گیری روابط تازه و بروز رفتارهای نو است؛ رفتارهایی که شهر را تعریف می‌کند و شهر با آنها تعریف می‌شود. هنجارهای نو شکل‌دهندهٔ ارتباطات جدید در عرصهٔ شهر هستند. بنابراین رفتارها و هنجارهای نو وجه مهمی از شخصیت تهران مدرن در قصهٔ شهر تهران است. هدایت در داستان "صورتک‌ها" نمونه‌ای از این رفتارها و هنجارهای نو را در فضای تهران مدرن توصیف می‌کند. بر این اساس ارتباطات ناشی از شکست هنجارهای گذشته و شکل‌گیری رفتارهای نو در فضای شهر شکل می‌گیرد. مفهوم "آشنایی" با این شکل معرف نوعی ارتباط جدید است؛ فضاهایی که از سوی بزرگ علوی در داستان‌های "سرباز سربی"، "چشمهایش" و "دزآشوب" به تفصیل توصیف شده‌اند. از سوی دیگر شخصیت "تهران مدرن" را می‌توان با حضور عناصر جدید در آن واکاوی کرد. "شهر بسان نمایشگاه" عناصر جدیدی مانند سینما، کافه، بلوار و گاراژ را عرضه می‌دارد و چهره‌ای متفاوت با آنچه تاکنون داشته است می‌نماید. سینما به‌عنوان مکان به‌تدریج جای خود را در خاطرات فردی و جمعی و تصاویر ذهنی مردم شهر باز می‌کند. کافه‌ها نیز به‌همین ترتیب در این سال‌ها نقش مهمی در حیات شهری می‌یافتند. نمونه‌هایی از این تمثیل و اوصاف در داستان‌های "رقص مرگ" (جمالزاده، ۱۳۴۴)، "سرباز سربی" (جمالزاده، ۱۳۶۶) و "یک زن خوشبخت" (گیله مرد، ۱۳۶۶) از نوشته‌های "بزرگ علوی" نیز به‌چشم می‌خورد (حبیبی، ۱۳۹۱).

حضور بلوار نیز در شهر تهران متفاوت با آن چیزی است که در شهرهای گذشته بود و تصویری جدید از شهر ارائه می‌دهد. در گذشته و در شهرسازی مکتب اصفهان محورهایی مانند چهارباغ وجود داشته است که حتی می‌توان آن را قدیمی‌ترین بلوارهای جهان دانست. با وجود این طراحی مسیر به شکل بلوار که برای تسهیل حرکت اتومبیل در کنار

عابران است در آن زمان و در شهر تهران موجب دگرگونی و دگردیسی شهر شد. بزرگ علوی در داستان "تاریخچه اتاق من" می‌گوید: "قدیم بجای همین محلی که الان بلوار است یک هتل بود." (علوی، ۱۳۴۵). یکی دیگر از عناصر جدیدی که در شهر مدرن به چشم می‌خورد گاراژ است. اتوبوس و گاراژ نیز عناصر نویی هستند که در این سال‌ها در عرصه شهر حاضر می‌شوند. شهر مدرن در همه ابعاد خود رخساره می‌نماید: بازار، خیابان و میدان به عرصه تقابل اندیشه‌ها و تظاهرات عمومی در شکلی مدرن تبدیل شده‌اند. عناصری مانند میدان بهارستان، صحن مجلس (دارالشوری) عشرت‌آباد، و باغ شاه (که همگی یادی در خاطره شهر دارند) در این مجرا نمایانگر حضور در شهر به‌عنوان محل تظاهرات سیاسی و اعتراضات عمومی شهروندان است. عناصر و فضاهای کهن شهر که در خاطره جمعی شهر نشسته‌اند، اکنون نقشی دیگر را در "شهر مدرن" بر عهده می‌گیرند و خاطره‌ای جدید را بر خاطره‌های کهن می‌افزایند. بر این اساس مفهومی جدید از شخصیت شهر تهران نمایان شد؛ شهر به‌عنوان مکان تقابل‌ها. تقابل شهر جدید با شهر قدیم، نظم هندسی جدید در تقابل با نظم به قول هدایت "توسری خورده" قدیم، باورهای جدید در تقابل با باورهای قدیم، شهر در تقابل با حومه، خیابان جدید در تقابل با گذر قدیم، انقطاع و گسست در تقابل با تداوم، انسان متجدد در تقابل با انسان سنتی و ... بزرگ علوی در داستان "رسوایی" تقابل فقر و ثروت را به‌شکل عریانی نمایش می‌دهد.

این تقابل حتی در شهرها و آبادی‌های دیگر کشور نیز به‌تدریج چهره می‌نماید. داستان "شب‌های ورامین" ضمن ارائه توصیفی شاعرانه از شهر، بر سنگ‌فرش بودن خیابان اشاره دارد (هدایت، ۱۳۵۵) و تصویری از نو شدن و دگردیسی شهر به نمایش درآمده است. خیابان‌های مدرن (آسفالته) در قالب شبکه‌های چلیپایی به تخریب شهر قدیم و نظم اندام‌واره (ارگانیک) آن می‌پردازند. بزرگ علوی در داستان "چشم‌هایش" بخشی از چنین

تخریب و تقابل را توصیف می‌کند: "خیابان‌های شهر تهران را آفتاب سوزانی غیرقابل تحمل کرده بود... تیشه و اره به دست گرفته و درخت‌های کهن را می‌انداختند. کوچه‌های تنگ را خراب می‌کردند و بنیان محله‌ها را می‌انداختند، مردم را بی‌خانمان می‌کردند و سال‌ها طول می‌کشید تا در این برهوت خانه‌ای ساخته بشود. آنهایی هم که ساخته می‌شد توسری خورده و بی‌قواره بود..." (علوی، ۱۳۴۵).

بوف کور

هدایت خانه‌های سنتی را در تقابل با ابنیه چندطبقه و مرتفع مدرن توسری خورده می‌داند. شخصیت تهران مدرن را می‌توان در مؤلفه‌های "شهر مدرن، مکان هنجارهای تازه و بروز رفتارهای نو"، "شهر همچون گردشگاه"، "شهر به مثابه مکانی برای پرسه زدن"، "شهر چون نمایشگاه"، "شهر مکان مطالبات و تظاهرات شهری"، "شهر مکانی برای حضور قدرت مرکزی" و "شهر مکان دگردیسی و دگرگونی" تعریف کرد و همین مؤلفه‌ها هستند که قصه شهر را سازمان می‌دهند، دگرگون می‌کنند و به شهر مقام راوی حادثه و وقایع را می‌بخشند.

دگردیسی هویت تهران بر اساس ادبیات داستانی

یکی از عناصر اصلی شهر تهران را می‌توان نورپردازی و دگردیسی شهر دانست. بر این اساس، این موضوع به اشکال متفاوتی روایت می‌شود. معماری این سال‌ها در حال دور شدن از شکل سنتی معماری ایرانی بود. ساختمان‌های درونگرای معماری سنتی در کنار معماری عصر قاجار که پنجره و ایوان رو به خیابان را در قاموس معماری جای می‌دهد، تضادی را در مفهوم ایجاد کرده است که تقابل دو نگاه کهن و نو را نشان می‌دهد و مبشر ورود تفکر نو است. بزرگ علوی در داستان "تاریخچه اتاق من" می‌گوید: او زودتر به‌خانه

آمده و در ایوان رو به کوچه کشیک آنها را می‌کشیده است." (علوی، ۱۳۴۵). نوع ابنیه دارای ایوان، شکل معماری قاجاری را نشان می‌دهد که آغاز برون‌گرایی در معماری ایران است. حضور ایوانی که رو به کوچه باز می‌شود، نشان‌دهنده چهره گشودن خانه به سوی فضای کوچه و خیابان است که در معماری سنتی ایرانی چنین امری رایج نبوده است. نمونه دیگری از گفت‌وگوی خانه با کوچه از طریق ایوان در داستان "رقص مرگ" نوشته دیگری از بزرگ علوی پدیدار می‌شود. آنجا که فضای خانه‌ای بدین ترتیب توصیف می‌شود: "وارد حیاط که می‌شدی دست چپ راه پله کان به ایوانی منتهی می‌شد و از آنجا داخل اتاقی می‌شدی که پنجره‌هایش رو به ایوان باز می‌شد." (علوی، ۱۳۶۵).

تهران مخوف: یکی دیگر از رمان‌هایی که به ما برای درک فضای اجتماعی تهران همچنین معماری مکان‌های متعدد توصیف‌شده کمک می‌کند، رمان "تهران مخوف" نوشته مرتضی مشفق کاظمی است. داستان تهران مخوف در محلات مختلف تهران از شمال تا جنوب و در حومه‌اش از شمیران و اوین تا شاهزاده عبدالعظیم می‌گذرد. تضاد بین محله‌های شمال شهر و جنوب شهر تهران بسیار دقیق توصیف شده است. محله‌های پست پایین شهر مکان تبهکاران، دزدان و ولگردان، و محله‌های بالای شهر مقر اشراف و طبقه مرفه است. مکان توصیف‌شده در این رمان "تهران مخوف" نه تفنی و نه تصادفی، بلکه کاملاً واقعی است (حبیبی، ۱۳۹۱).

شب‌های تهران: این رمان در بافت تهران به‌خوبی جا می‌افتد که داستان کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های تنگ و باریک و آلوده پایین‌شهر و جنب‌به‌جنب مورد اشاره قرار می‌گیرند. باریک‌بینی نویسنده در وصف آن کوی و برزن‌ها و خانه‌های توسری‌خورده و حقیر و بویناک، ستایش‌انگیز است.

تهران شهر بی آسمان: در رمان تهران شهر بی آسمان، نوشته امیرحسین چهل تن، مناظری از تهران گاه زودگذر و گاه دیرپا اما همواره دقیق، در دوره‌های مختلف زندگانی قهرمان رمان را می‌بینیم. "در تهررون پل هوایی می‌ساختند، تونل زیرزمینی می‌کنند. برای رفاه حال همشهریان، مستراح عمومی ساخته می‌شد..." (ستاری به نقل از چهل تن، ۱۳۹۱).

روزی روزگاری در طهران: داستان رمان کوچک "روزی روزگاری در طهران" نوشته حسن هدایت، ماجرای پرفرازونشیب ساختن فیلم صامت "حاجی آقا آکتور سینما" در سال ۱۳۱۱ است. محل فیلم‌برداری، چهارراه استانبول و لاله‌زار و مقابل کافه پارس است و از این رو به مناسبت آن خیابان‌ها توصیف می‌شوند و از گراند هتل و گراند سینما و سینما مایاک و مغازه روسی‌خان و خیابان شیخ نیز ذکری به میان می‌آید (ستاری، ۱۳۸۸). "خیابان استانبول همیشه شلوغ است... نور چراغ‌های مغازه، مخلوط با نور چراغ‌های پایه‌دار خیابان فضا را روشن و شاد می‌کند. صدای موسیقی از چند مغازه صفحه‌فروشی به گوش می‌رسد. جلوی سینما مایاک با لامپ‌های قرمز رنگ تزیین شده است... شب‌ها لاله‌زار غرق نور می‌شود. نور مغازه‌ها و نور چراغ‌های پایه‌دار حاشیه خیابان... عمارت گراند هتل ساختمانی است دو طبقه و سفیدرنگ که به سبک بناهای فرانسوی ساخته شده است" (هدایت، ۱۳۷۷).

گل‌هایی که در جهنم می‌رویند: تهران نخستین بار در ادبیات داستانی معاصر ایران، نام و عنوانی اسطوره‌ای یعنی دوزخ می‌یابد. "...میدان سپه را تماشا کرده، بنای مجلل و قشنگ بلدیه، عمارت باشکوه و زیبای پست تلگراف، بر روی سطح زمین که تصویر انسان در آن می‌افتد، سایه افکنده بود. رفت و آمد اتومبیل‌های لوکس و تاکسی‌ها و درشکه‌ها، راه عبور را مسدود می‌کرد. در خیابان لاله‌زار، مثل شب‌های جشن، جمعیت لول می‌زد. در هر صد قدم، سینماها، نمایشگاه‌ها، کافه‌ها، تئاترها، گردش‌کنندگان را به تفریح و تماشا، جلب کرده،

رادیوکنسرت‌ها در چندین نقطه خیابان صدا می‌کرد، خیابان را به یک سالون وسیع مهمانی تبدیل می‌نمود، تابلوها و تصویرهای سینما که دیوارهای خیابان را پر کرده بود، عابری را به تماشا دعوت می‌ساخت." (ستاری، ۱۳۹۱).

زیبا: نوشته محمد حجازی، شرح حوادثی است که در سال‌های پس از ۱۲۹۹ هجری شمسی بر طلبه تنگدست دهاتی گذشته است. "... روبروی میدان مشق، منزل کردم. از عظمت شهر چنان کوچک شدم که چند روزی رشته افکارم از دست رفت... همه چیز در نظرم بزرگ می‌نمود. پهنا و درازای خیابان و بازار، دیوارهای بلند و سردرهای آجری، عده زیاد مسجد و عظمت آنها، زبانم را به حیرت بسته بود. حتی ضخامت و وسعت گرد و خاکی که در معابر، زمین را به آسمان وصل می‌کرد در نظرم شکوه و جلوه‌ای داشت (حجازی، ۱۳۱۲).

شکر تلخ: رمان شکر تلخ نوشته جعفر شهری است. جعفر شهری در توصیف معماری شهر و حرفه‌های گوناگون شگفت‌انگیز است و در توصیف مکان‌ها و بناها، دقتی پدیده‌شناختی به کار می‌گیرد و جملگی جزئیات را بازمی‌سازد (میلانی، ۱۳۷۰). "شکر تلخ رمان زندگانی فلاکت‌بار طبقات متوسط در شرف زوال از اواخر دوران قاجار تا کودتای ۱۲۹۹ سردار سپه و اندکی پس از آن یعنی تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۹) است و شرح دقیق و واقع‌گرای این مضمون همه چیز دیگر را از وصف محل ماجرا گرفته تا روان‌شناسی آدم‌ها در سایه انداخته است" (ستاری، ۱۳۸۸).

داستان جاوید: مضمون اصلی رمان، سرگذشت اندوهبار پسرک زرتشتی است که با عزت نفس و مناعت طبع همه ناملایمات را برمی‌تابد و طی چندین سال رنج بردن و نوکری کردن و دشنام شنیدن و کتک خوردن در خانه شازده بی‌رحم و خبیث، طینت نیک و خیرخواهانه‌اش متزلزل نمی‌شود و شفقتش بر مردم بینوا کاستی نمی‌گیرد و شهر تهران

چارچوب و قابی بیش برای این ماجرا نیست و این نیز هیچ شگفت نیست... (ستاری، ۱۳۹۱)

دل کور: رمان دل کور (۱۳۵۱) نوشته اسماعیل فصیح، داستان سه چهار نسل خانواده‌ایست که از اواخر دوران قاجار تا دهه ۱۳۴۰، تهران قدیم را رفته‌رفته پشت سر نهاده پا به تهران متجدد فرنگی مآب می‌نهند. "در این رمان سیمای دو تهران نقش بسته است: تهران روزهای زندگی زیرگذر درخونگاه ("پاره‌های تار و پود ابدی بازارچه") و تهران دوران شلوغی لاله‌زار و روزگار شهرت جامعه باربد و کافه شهرداری و تماشاخانه تهران و گراند هتل و کنسرت طاطایی و رواج پیش‌پرده‌خوانی و..." (ستاری، ۱۳۹۱).

دو دنیا: در روایت‌های داستانی گلی ترقی (۱۳۸۲) از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی‌اش که به قول خودش "ته‌مانده اساطیری" دارند، همه جا، تصویری حسرت‌بار از آنچه راوی در تهران آن روزگار به چشم خود دیده و نیز از جاهایی که رفته، نقش بسته است. این رمان حس نوستالژیک نویسنده به گذشته سنتی و فرهنگ بومی شهر را مورد تأکید قرار می‌دهد.

یوسف‌آباد خیابان سی‌وسوم: این رمان نوعی مردم‌نگاری شهری است. نویسنده رمان، متعلق به طبقه متوسط شهری تهرانی، در این رمان تجربه زندگی شهری و شهرنشینی در کلانشهر تهران را بازنمایی می‌کند و تلاش دارد تا از درون آدم‌های طبقه متوسط جدید شهری، چگونگی و چرایی علاقه این انسان‌ها به کلانشهر تهران و شیوه زندگی آن را توضیح دهد. پارک جمشیدیه، خانه هنرمندان، شهر کتاب، فرهنگسرای نیاوران، شهرک غرب، شهرک اکباتان، خیابان ایران‌زمین، پاساژها، عکاسی‌ها، سینماها، گالری‌ها، بوتیک‌ها، کافی‌شاپ‌ها، پیتزافروشی‌ها، آسمان‌خراش‌ها، دانشگاه‌ها و بزرگراه‌های تهران، فضاها و مکان‌های این داستان هستند. تهران شخصیت اصلی این رمان است. در این داستان می‌توان

مانند یک فیلم مستند، روایتی از زبان و سبک زندگی جوانان طبقه متوسط جدید نوگرای کلانشهر تهران را تماشا کرد.

تهران قدیم و تهران جدید در ادبیات داستانی ایران

شاید بتوان این بازه زمانی را دوران گذار دانست؛ گذار از دیروز به امروز، حسرت نسل گذشته بر مکان‌های خاطره‌انگیزی که اکنون دیگر دیده نمی‌شوند. در اغلب این آثار این حس تأسف و حسرت بر خاطره‌های دیروز دیده می‌شود. انسان‌هایی که حالا پس از چند سال با شهری برخورد می‌کنند که حس می‌کنند آن را نمی‌شناسند و برای‌شان بیگانه است. حسرت تهران قدیم و دل‌تنگی در ادبیات داستانی معاصر نمودهایی دارد که در رمان‌های زیر بدان می‌پردازیم:

سپیده‌دم: زیباترین جلوه این دل‌تنگی در رمان خواندنی سپیده‌دم ایرانی نوشته امیرحسین چهل‌تن، نمودار می‌شود و این یادآوری خاطرات دیرین علاوه بر آنکه حسرت‌انگیز است، در ذهن نویسنده نقشی پالاینده و درمانگر نیز دارد: تذکر، نوعی شفاف‌بخشی و رهایی از سودای گذشته‌گرایی است. در این رمان، برای افرادی که بعد از مدت‌ها به تهران برگشته بودند، حالا دیگر حس مکان از دست رفته بود و چیزی که متعلق به او بود و گذشته‌اش را می‌ساخت دیگر نبود.

جسدهای شیشه‌ای: نام رمانی است که هم از بابت جور شدن وقایع با بدنه شهری و هم به سبب اسطورگی مکانی در شهر و یک تن از قهرمانان اصلی رمان به این نام نامیده شده است. کل حوادث پیچیده و تودرتوی رمان در محلات قدیم تهران که به دقت وصف شده‌اند، می‌گذرد. وقایع در جاهایی می‌گذرند که دقیقاً تصویر شده‌اند و هویت دارند و زنده‌اند و فقط آرایه و در حکم "طبیعت بی‌جان" نیستند، ولی با گذشت زمان، زندگی را

در قمار تجدد بی‌ریشه می‌بازند که حاصل آن، دل‌تنگی برای تهران قدیم و حسرت از دست دادن آن است.

عادت می‌کنیم: "رمان عادت می‌کنیم نوشته زویا پیرزاد، نمونه درخشانی است از شرح دو کیفیتی که نشان آن را در رمان‌های ایرانی می‌جوئیم: کالبد شهر و حسرت خوردن بر نابودی یادگارهایی از تهران قدیم" (پیرزاد، ۱۳۸۴).

گاوخونی: بلند مرتبه‌سازی به‌شکل امروزی آن در آخرین دهه‌های قرن نوزدهم در کشورهای غربی ظهور کرد و از آن زمان تاکنون خود را به‌عنوان یکی از اشکال غالب در صحنه معماری و شهرسازی جهان به ثبت رسانده است. در کشور ما نیز بلند مرتبه‌سازی بیش از نیم قرن است که خصوصاً در کلانشهرها و شهرهای بزرگ به کار گرفته شده است (متوسلی، ۱۳۹۱). توصیفاتی نیز در ادبیات داستانی از آپارتمان‌های مسکونی آمده است که نمایانگر وضعیت آپارتمان در ایران است. نمونه زیر توصیف آپارتمان در رمان "گاوخونی" اثر جعفر مدرس صادقی است:

"آپارتمان ما یک اتاق بیشتر نداشت. در را که باز می‌کردی، وارد اتاق بزرگی می‌شدی که هم هال بود و هم پذیرایی و هم اتاق کار و هم اتاق خواب و هم اتاق نشیمن، و آشپزخانه کوچکی چسبیده به آن اتاق." (مدرس صادقی، ۱۳۸۳). این روایت و توصیف از خانه‌های کوچک، توصیف بسیاری از خانه‌هایی است که بعد از انقلاب در جای‌جای شهرهای ایران ساخته شد و رشد آپارتمان‌نشینی، ساخت خانه‌هایی با متراژ کم و فضاهایی با چندکاربری را تا دوره معاصر باعث شد.

براساس تحلیل محتوای حاصل از بررسی رمان‌های مورد مطالعه، داده‌های تجربی زیر به دست آمده است.

جدول ۳- تحلیل محتوای رمان‌ها بر اساس مفاهیم و سنجه‌ها

فراوانی	رمان‌های دربرگیرنده مفاهیم	مفاهیم و سنجه‌های مرتبط بر اساس محتوای رمان‌ها
۲۴	صورتک‌ها، تاریخچه اتاق من، روزی روزگاری در طهران، گاوخونی، دل کور، بوف کور، سگ ولگرد، سرباز سربی، دز آشوب، چشمه‌هایش	رفتارهای نو، هنجارها، ارزش‌های جدید در فضاهای شهری، ازدحام و شلوغی عرصه‌های شهری، هرج و مرج، پرسه زدن، تقابل‌ها
۴۶	رقص مرگ، سرباز سربی، یک زن خوشبخت، گل‌هایی که به جهنم می‌روند، روزی روزگاری در طهران، دل کور، تهران شهر بی‌آسمان	شکل‌گیری فضاها و کاربری‌های جدید چون گاراژ، سینما، بلوار، کافه، نمایشگاه، پل هوایی، پاساژها، گالری‌ها، شهر کتاب، فرهنگسرا، عکاسخانه‌ها، گراند هتل
۱۸	رسوایی، عادت می‌کنیم، جسد‌های شیشه‌ای، تهران مخوف	تقابل قدیم و جدید، تقابل فقر و ثروت، محله بالا و پایین، واقع‌گرایی
۲۲	چم‌هایش، جسد‌های شیشه‌ای، گل‌هایی که به جهنم می‌روند	مواد و مصالح جدید چون آسفالت و ... بدنه‌های شهری و وقایع، تابلوها و دیوارنگاری‌ها،
۲۱	شکر تلخ، روزی روزگاری در طهران، گل‌هایی که به جهنم می‌روند، تاریخچه اتاق من	سبک معماری، نورپردازی جدید، بناهای مجلل و با عظمت، تزئینات و جزئیات جدید در معماری و سبک بناها، برون‌گرایی، شفافیت فضاها و جداره‌ها، پنجره و ایوان روبه‌خیابان
۸	گاوخونی، سگ ولگرد، بوف کور	بلندمرتبه‌سازی، شیوه سکونت جدید، آپارتمان‌نشینی، از بین رفتن سلسله‌مراتب فضاها در خانه، متراژ پایین، چندعملکردی شدن فضاها
۲۷	عادت می‌کنیم، جسد‌های شیشه‌ای،	از بین رفتن حس مکان، کالبد جدید بی‌هویت،

	<p>دو دنیا، سپیده‌دم، داستان جاوید، رقص مرگ، یک زن خوشبخت، سرباز سربی</p>	<p>عدم خاطره‌انگیزی</p>
۱۴	<p>زیبا، چشمه‌هایش، روزی روزگاری در طهران</p>	<p>مقیاس غیرانسانی، فضاهای گسیخته و رهاشده شهری، دیوارهای بلند، حقارت انسان در برابر فضا و بناها، عظمت شهر، نظم و هندسه جدید، شبکه‌بندی فضایی شهر</p>

تحلیل و بحث یافته‌های پژوهش

در میان داستان‌های بررسی شده که بستر شهر تهران بود، تعدادی از رمان‌ها، کالبد شهر تهران را توصیف کردند. درج جزئیات در برخی رمان‌ها شگفت‌آور و قابل ستایش است. در این رمان‌ها مشخصاتی از ساختمان‌های مسکونی خیابان‌های قدیمی تهران و ... قابل شناسایی بود. در تعداد بسیار کمی از رمانها به مصالح خانه‌ها و ابنیه معماری و حتی برون‌گرایی و درون‌گرایی مکان‌ها اشاره شده است. فضاهای شهری بیشترین مکان‌هایی از تهران است که نویسندگان به توصیف آن پرداخته‌اند. خیابان‌های مهمی مانند میدان توپخانه، لاله‌زار، خیابان استانبول، فضاهای شهری به‌عنوان تفرج‌گاه، به‌عنوان خیابان‌های معروف تهران بیشتر توصیف شده‌اند.

بررسی توالی تاریخی تغییر ابعاد مختلف هویت تاریخی معماری شهر تهران بر اساس ادبیات داستانی طبق نمودار ۱ است.

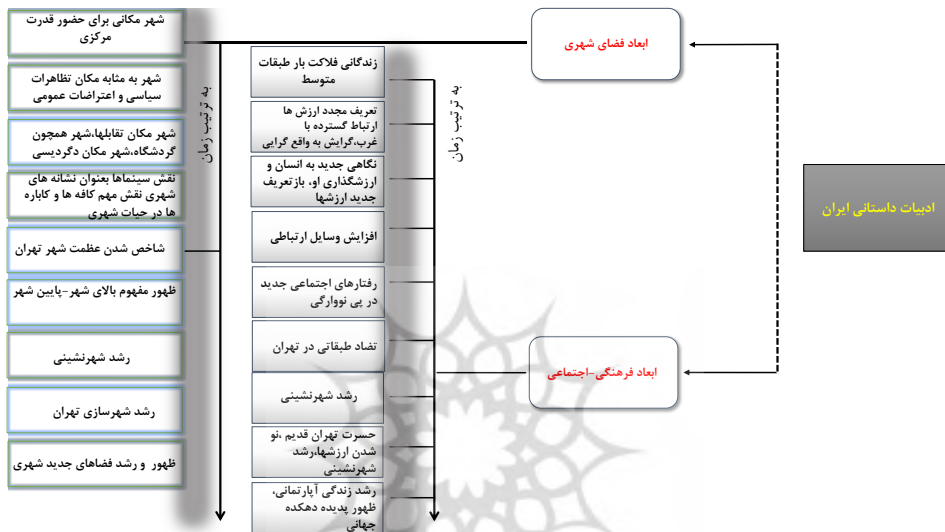
نمودار ۱- ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت تاریخی معماری تهران بر اساس ادبیات داستانی ایران

ابعاد فرهنگی - اجتماعی	داستان	دهه	
زندگی فلاکت‌بار طبقه متوسط	داستان جاوید، روزی روزگاری تهران، شکر تلخ، تهران مخوف	۱۳۰۰ و قبل آن	پهلوی اول
ارتباط گسترده با غرب، تعریف مجدد ارزش‌ها، گرایش به واقع‌گرایی	یکی بود یکی نبود، سگ ولگرد، شب‌های ورامین، بوف کور، سایه روشن، ۵۳ نفر، ورق پاره‌های زندان، ۳ قطره خون، تهران مخوف، زیبان، صورتک‌ها	۱۳۱۰	
نگاهی جدید به انسان و ارزش - گذاری او، بازتعریف جدید ارزش‌ها	چشم‌هایش، سرباز سربی، تخت ابونصر، قلتش دیوان، گیله مرد، سپیده دم، گل‌هایی که در جهنم می‌رویند، رجل سیاسی، چمدان	۱۳۲۰	پهلوی دوم
تغییر ارزش‌های سنتی، رشد فرهنگ غربی	تالار آینه، روایت، تهران بی‌آسمان، جسدهای شیشه‌ای	۱۳۳۰	
رفتارهای اجتماعی جدید در پی نوآوری، ظهور مفهوم بالای شهر - پایین شهر	تاریخچه اتاق من، روزی روزگاری تهران	۱۳۴۰	
تضاد طبقاتی در تهران	شب‌های تهران	۱۳۵۰	معاصر
رشد شهرنشینی	دو دنیا	۱۳۶۰	
حسرت تهران قدیم، تغییر ارزش‌ها	شرق بنفشه، مهرگیاه	۱۳۷۰	

بررسی سیر تحولات مربوط به تغییر هویت معماری و شهری و ابعاد مختلف آن بر اساس تحلیل محتوای داستان‌های مورد مطالعه، تحولات در دو بعد کالبدی و بعد اجتماعی طبق نمودار ۲ قابل طبقه‌بندی است. در الهام از رویکرد مکان‌محوری در تحلیل فضاهای شهری، سه بعد کالبد، فعالیت و معنا، جوهره اصلی تحلیل‌های مکان‌محوری را شکل می‌دهد، که بر اساس آن تحولات در قالب‌های کالبد و اجتماعی که دربرگیرنده جنبه‌های فعالیتی و معنایی است، طبقه‌بندی مقوله‌ها و روندها ارائه شده است. این سیر تحول بر

اساس تقدم و تأخر زمانی داستان‌ها و روایت‌هایی که از هویت کالبدی و اجتماعی شهر در داستان‌ها اشاره شده، استنتاج شده است.

نمودار ۲- توالی تاریخی سیر تحول هویت تاریخی معماری تهران



نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل یافته‌های پژوهشی می‌توان نتایج پژوهش را در جدول و نمودار ارائه کرد. تصویر تهران در ادبیات داستانی معاصر ایران شامل موارد زیر است:

نکات شاخص برگرفته از ادبیات داستانی در مورد تهران که در دسته معیارهای معنایی قرار می‌گیرند، به شرح جدول ۳ است. با استفاده از نظریه بازتاب در هنر و ادبیات، و با تحلیل تطبیقی-تفسیری عوامل و مؤلفه‌های مؤثر، تأثیرپذیری دگرگونی هویت معماری و شهری تهران از تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به کیفیت فضا و الگوهای سکونت و کمیت و کیفیت مکان و رفتارها در عرصه‌های عمومی شهری، در جدول ۳ ارائه شده است.

در تحلیل این قسمت‌ها از اجماع تفسیرها و تحلیل‌های چند صاحب‌نظر در زمینه مسائل شهری و اجتماعی و جامعه‌شناسی هنر استفاده شده است. گزاره‌های مربوط به ابعاد هویتی از محتوای داستان‌ها استخراج شده است و براساس شاخص‌ها و مفاهیم اصلی نظریه بازتاب در هنر که چگونگی بازتاب تفسیری تحولات اجتماعی و هنر را در قالب ارزش‌ها، تخیلات، شرایط اقتصادی، روندها و کلیت جامعه تبیین می‌کند، متناظرسازی شده است. به عبارتی در قالب شاخص‌های نظریه بازتاب ابعاد تغییر هویتی تبیین شده‌اند.

جدول ۳: گزاره‌های مرتبط با هویت معماری و شهرسازی در ادبیات داستانی

بازتاب تفسیری	گزاره‌های مرتبط با هویت معماری و شهرسازی در ادبیات داستانی
تغییر ارزش‌های نخبگان معماری و شهرسازی	شروع ارتباط گسترده تحصیل‌کردگان با غرب
بازتابی از تغییر ارزش‌ها و هنجارهای طبقات روبه‌رشد شهر	دوران گذار از هنجارهای گذشته و حرکت به سوی تعریف مجدد ارزش‌ها
بازتابی از تخیلات و رؤیاهای بخشی از جامعه (طبقات خواهان تغییر)	شهر به‌مثابه مکان تظاهرات سیاسی و اعتراضات عمومی
بازتابی از دگرگونی تصورات قالبی احاد جامعه در مورد سنت‌ها	سست شدن اعتقادات سنتی
تغییر ارزش‌های مطلوبیت فضایی طبقات روبه‌رشد جامعه معماران و بخش مرفه جامعه	شکل‌گیری فضاهایی تازه در شهر
بازتابی از تغییر شرایط اقتصادی طبقات روبه‌رشد و تغییر ارزش‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگ‌ها	ظهور سینما، اتومبیل و خیابان‌لختی‌ها عناصری از فضای شهری مدرن تهران
بازتابی از روحیه تجدیدنطلبی نخبگان و حاکمان و تمایل به استفاده از مظاهر جدید تمدن	شهر بسان نمایشگاه عناصر جدیدی مانند گاراژ، کافه و بلوار را عرضه می‌کند و چهره‌ای متفاوت با آنچه تاکنون داشته است می‌نماید.
بازتابی از نیازهای هیجانی و روحیات فانتزی مشترک	سینماها به‌عنوان نشانه‌های شاخص شهری

بازتابی از نیازهای هیجانی بخشی از جامعه	اشاره به نقش مهم کافه‌ها در حیات شهری
بازتابی از حوادث غیرمعمول جامعه و نیاز به تغییر و دستیابی به شرایط بهتر	بازار، خیابان، میدان به عرصه تقابل اندیشه‌ها و تظاهرات عمومی در شکلی مدرن تبدیل شده‌اند.
بازتابی از نظام حاکمیتی و قدرت‌نمایی حکومت مرکزی و روحیهٔ تجددطلبی و نشان پیشرفت	شهر مکانی برای حضور قدرت مرکزی
بازتابی از تقابل اندیشه‌ها و ارزش‌های طبقات روبه‌رشد و نخبگان با کلیت جامعه و حس نوستالژیک برای بخشی از جامعه	تقابل شهر جدید با شهر قدیم، خیابان جدید در تقابل با گذر قدیم
تقابل ارزش‌های فضایی نخبگان معماری با کلیت جامعهٔ سنتی	نظم هندسی جدید شهر در تقابل با نظم "نوسری‌خورده" قدیم
بازتابی از تقابل باورها و اعتقادات طبقات روبه‌رشد با آحاد جامعه	باورهای جدید در تقابل با باورهای قدیم
بازتابی از روندهای جمعیتی	شهر در تقابل با حومه
بازتابی از تقابل ارزش‌های مدرن نخبگان معماری با تودهٔ معماران سنتی	انقطاع و گسست در تقابل با تداوم (جریان و هویت معماری)
تقابل طبقات روبه‌رشد جامعه و نخبگان با کلیت جامعه	انسان متجدد در تقابل با انسان سنتی
بازتابی از روندهای جمعیتی و بیشتر شدن شکاف طبقاتی در جامعه	اختلاف سطح زندگی در محلات متفاوت شهری
تغییر هنجارها و ارزش‌ها و بازتابی از تخیلات کلیت جامعه	شهر مدرن، مکان هنجارهای تازه و بروز رفتارهای نو
بازتابی از نیازها و فانتزی‌های مشترک بخش عمدهٔ شهروندان	شهر به‌مثابه مکانی برای پرسه زدن و گردشگاه
بازتابی از تخیلات و رؤیاهای مدرنیستی نخبگان و کلیت جامعه	شهر چون نمایشگاه
بازتابی از روح اساسی جامعه و نیاز به تغییر	شهر، مکان دگرذیسی و دگرگونی
بازتابی از تغییر ارزش‌ها و هنجارهای معماران	برون‌گرایی در عناصر توصیف‌شده معماری ایران

تحصیل کرده غرب و همچنین طبقات روبه‌رشد جامعه و ورود جریان‌های نو به کشور	
تغییر ارزش‌های معماری حاکمان، نخبگان معماری و بازتابی از شرایط اقتصادی و تخیلات طبقات روبه‌رشد	معماری در حال گذار از سنت به تجدد
بازتابی از روندهای جمعیتی و واقعیت‌های جامعه	تضاد محله‌های پست پایین شهر و محله‌های بالای شهر
بازتابی از نیازها و فانتزی‌های مشترک بخش غالب جامعه	شهر بستر فضاهای عمومی شهری جدید
بازتابی از روح زمانه	شهر بستر وقایع سیاسی مهم کشور
بازتابی از روندهای جمعیتی و ارزش‌ها و هنجارهای کلیت جامعه	تهران مرکز پستی و بلندی، کانون عزت و ذلت، جایگاه سعادت و شقاوت
بازتابی از تخیلات کلیت جامعه و تمایل به شکوه و ابهت	توصیف و تصویر عظمت شهر تهران
بازتابی از تخیلات و رؤیاهای طبقات روبه‌رشد جامعه	تضاد میان تهران و شهرستان و تهرانی و شهرستانی
بازتابی از تغییر ارزش‌ها و هنجارهای کل جامعه	جایگزین شدن فضاهای شهری جدید برای اوقات فراغت مانند پاساژها، زمین فوتبال، پارک‌ها، پیاده‌روها
بازتابی از روحیه آگاهی جمعی و تمایل غالب شهروندان به علم و آموزش و شکل‌گیری مراکز علمی در کشور و تمایل حاکمان به تجددطلبی	حضور فضاهایی مانند کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها و فرهنگ‌سراها، محیط دانشگاه‌ها
بازتابی از حس نوستالژیک جامعه و روحیه تجددطلبی مدیران شهری	توصیف مصالحی مانند دیوارهای آجری خانه‌ها و آسفالت فضای شهری
بازتابی از روح اساسی جامعه و تمایل به استفاده از وسایل رفاهی	افزایش وسایل ارتباطی حمل‌ونقل شهری
تغییر ارزش‌ها و هنجارهای معمارانه نخبگان و ورود تفکرات مدرنیستی	توصیف عمارات چندطبقه دوره پهلوی و فضاهای خارج از مقیاس انسانی

بازتابی از تغییر تخیلات و رؤیاهای کل جامعه	دگردیسی در نگاه مردم به معماری و نقد معماری قدیم و جدید
بازتابی از تغییر ارزش‌های فرهنگی افراد مرفه و روبه‌رشد جامعه	توصیف برون‌گرایی نمونه موردی: توصیف پنجره- هایی که رو به ایوان باز می‌شوند
بازتابی از تغییر ارزش‌ها و هنجارهای برخی از خرده‌فرهنگ‌های جامعه	توصیف خیابان‌ها و میدانی به‌عنوان عناصر شاخص از جمله توصیف فضاهای شهری از جمله خیابان‌های استامبول، لاله‌زار، میدان مشق و میدان توپخانه
بازتابی از شرایط حاکم بر کلیت جامعه	توصیف کوچه‌پس‌کوچه‌های تنگ و باریک آلوده تهران
بازتابی از روح اساسی جامعه و تغییر نیازهای کلیت جامعه	توصیف ساخت‌وساز شهری از قبیل پل هوایی، تونل زیرزمینی و مستراح عمومی
بازتابی از روح و نظام حاکم بر شهر و تغییر رفتارها و الگوهای رفتاری شهروندان	توصیف شلوغی، ترافیک و صدای بوق
محصول شرایط اقتصادی سرمایه‌داران و طبقات رو به رشد شهر و همچنین تغییر نوع نیازهای بخشی از جامعه	پاساژهای مدرن شهری

بررسی محتوایی رمان‌ها نشان‌دهنده این است که شکل‌گیری فضاها و کاربری‌های جدید چون گاراژ، سینما، بلوار، کافه، نمایشگاه، پل هوایی، پاساژها، گالری‌ها، شهر کتاب، فرهنگسرا، عکاسخانه‌ها، گراند هتل‌ها از جمله مهم‌ترین مصادیق تغییر هویتی در معماری و شهر هستند. همچنین از بین رفتن حس مکان، کالبد جدید بی‌هویت، عدم خاطره‌انگیزی و در نتیجه شکل‌گیری رفتارهای جدید، هنجارها، ارزش‌های جدید در فضاهای شهری، ازدحام و شلوغی عرصه‌های شهری از جمله بیشترین مضامین رمان‌های مرتبط با دگرگونی و دگرگیزی هویت شهری را تشکیل می‌دهند. بروز و ظهور مواد و مصالح جدید چون آسفالت و ... مهم شدن بدنه‌های شهری و ارتباط پیدا کردن آنها با وقایع، تابلوها و دیوارنگاری‌ها نیز به‌وفور دیده می‌شود. تبدیل فضاهای شهر به فضاهایی با مقیاس

غیرانسانی، فضاهای گسیخته و رهاشده شهری، دیوارهای بلند، حقارت انسان در برابر فضا و بناها، عظمت شهر، نظم و هندسه جدید، شبکه‌بندی فضایی شهر از دیگر نمودهای تغییر ابعاد هویت کالبدی در تهران به حساب می‌آیند. در نهایت بلندمرتبه‌سازی، شیوه سکونت جدید، آپارتمان‌نشینی، از بین رفتن سلسله‌مراتب فضاها در خانه، متراژ پایین، چندعملکردی‌شدن فضاها، پیامدهای دیگری از تغییر هویتی در جنبه‌های کالبدی و اجتماعی و معنایی در شهر تهران هستند.

محتوای مرتبط با معماری و شهرسازی رمان‌های داستانی مطالعه شد و با تفسیر بازتابی این محتوا می‌توان گفت که در روند تحولات تاریخی و هویت معماری شهر تهران، عمدتاً تغییر ارزش‌ها و هنجارهای نخبگان، حاکمان و سپس طبقات روبه‌رشد جامعه، نقطه شروع تحولات در حوزه معماری و شهرسازی شهر تهران بوده است. تقابل ارزش‌های حاکم بر نخبگان جامعه با ارزش‌ها و هنجارهای توده جامعه باعث شکل‌گیری فضاهایی با مطلوبیت کمتر در وهله اول شده است. اما به تدریج بخشی از خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی تحصیل‌کرده جامعه با این تحولات، همسو شده‌اند و بنابراین نیازها و فانتزی‌های مشترکی بین توده غالب جامعه شکل گرفته است که این موضوع باعث غلبه شکل‌گیری فضاها و کاربری‌هایی با ویژگی‌ها و مختصات مربوط به جریان مدرنیستی شده است. این فضاها از شکل و نوع فضاهای باز عمومی شهری گرفته تا تغییر عناصر شاخص و نمادین شهر و همچنین تغییر سبک و مصالح و همچنین نوع رابطه درون و بیرون در بناها را شامل شده است. با گسترش بی‌رویه شهر و ظهور مفاهیمی چون شهر و حومه، بالاشهر و پایین‌شهر، تضاد ارزش‌ها و طبقات زیاد شده است و برای بیان تمایز بین طبقات و گروه‌های اجتماعی، نوع معماری که واضح‌ترین و عیان‌ترین نوع بیان مالکیت و تمایز است، توسط گروه‌های اجتماعی با وضعیت اقتصادی خوب مورد هدف قرار گرفته است.

سبک‌های معماری و مصالح نوین و وارداتی برای این تمایز و برتری در ساختمان‌ها استفاده شده است. به تدریج کلیت جامعه با این مظاهر تحول و تغییر به نوعی مأنوس شده و شهر به نوعی بازتاب‌دهنده روح اساسی جامعه یا روح زمانه حاکم بر جامعه شده است. البته با توجه به هنجارهای جامعه به دلیل نوع فرهنگ، در غالب این تغییرات قرارگاه‌های رفتاری و فضاها و بناهای شکل‌گرفته هماهنگی و این‌همانی اندکی با الگوهای رفتاری و هنجارهای غالب شهروندان داشته است.

منابع

- پیرزاد، زویا (۱۳۸۴)، *عادت می‌کنیم*، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- ترقی، گلی (۱۳۸۷)، *خاطره‌های پراکنده*، چاپ ششم، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ترقی، گلی (۱۳۸۷)، *دو دنیا*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات نیلوفر.
- چهل‌تن، امیرحسین (۱۳۸۲)، *تهران، شهر بی‌آسمان*، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۷)، *از شار تا شهر: تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۹۰)، از فروریختن باورها تا اندیشه شاهراه‌ها (پیشینه طرح‌های شهری و انگاره‌های شهر تهران از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۵)، *صفحه*، دوره ۲۰، شماره ۵۰، صص ۸۵-۱۰۹.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۹۱)، *قصه شهر تهران نماد شهر نوپرداز ایرانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دادخواه، سینا (۱۳۸۷)، *یوسف‌آباد خیابان سی‌وسوم*، چاپ چهارم، تهران: نشر چشمه.
- ستاری، جلال (۱۳۸۸)، *اسطوره تهران*، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ستاری، جلال (۱۳۹۱)، *اسطوره تهران*، چاپ سوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

شکری، فدوی (۱۳۸۶)، *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران*، تهران: انتشارات نگاه.

- شهری، جعفر (۱۳۷۸)، *شکر تلخ*، تهران: انتشارات معین.
- علوی، بزرگ (۱۳۴۵)، *نامه‌ها*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- علوی، بزرگ (۱۳۸۱)، *چمدان*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- علوی، بزرگ (۱۳۸۳)، *چشمه‌هایش*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- فصیح، اسماعیل (۱۳۸۱)، *دل کور*، چاپ دهم، تهران: نشر البرز.
- قطبی، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، مفهوم هویت و معماری امروز ایران، *نشریه آینه خیال*، دوره دوم، شماره ۱۰، صص ۷۳-۸۷.
- کیمیایی، مسعود (۱۳۸۴)، *جسد‌های شیشه‌ای*، چاپ چهارم، تهران: نشر اختران.
- محب‌علی، مهسا (۱۳۸۷)، *نگران نباش*، چاپ هفتم، تهران: نشر چشمه.
- مدرس صادقی، جعفر (۱۳۸۳)، *گاوخونی*، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- میلانی، عباس (۱۳۷۰)، *کتاب تهران*، تهران: انتشارات روشنگران.
- هدایت، صادق (۱۳۵۴)، *سگ و لگرد*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هدایت، صادق (۱۳۵۵)، *سایه روشن*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هدایت، صادق (۱۳۴۴)، *سه قطره خون*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هدایت، حسن (۱۳۷۷)، *روزی روزگاری در طهران*، تهران: انتشارات روزنه.
- راوودراد، اعظم (۱۳۸۲)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الکساندر، ویکتوریا (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی هنرها: شرحی بر اشکال زیبا و مردم‌پسند*، ترجمه اعظم راوودراد، تهران: انتشارات متن.

گلدمن، آنی و دیگران (۱۳۷۶)، نگاهی به زندگی و آثار گلدمن، ترجمه محمدجعفر پوینده، در *جامعه، فرهنگ و ادبیات*: لوسین گلدمن، تهران: نشر چشمه.

سارتر، ژان پل (۱۳۵۶)، *ادبیات چیست*، ترجمه الوالحسن نجفی، چاپ پنجم: تهران: کتاب زمان.

لوکاچ، جورج (۱۳۴۹)، *معنای رئالیسم معاصر*، ترجمه فریرز سعادت، چاپ اول، تهران: انتشارات نیل.

- Dines, Gail & Humez, J., (eds) (1995). *Gender, Race, and Class in Media*. London: Sage.
- Dubin, Steven (1987). Black Representation in Popular Culture, *Social Problems*, vol. 34, pp. 40- 122.
- Humphrey, R. & Schuman, H. (1984). The Portrayal of Blacks in Magazine Advertisements: 1950-1982, *Public Opinion quarterly*, vol. 48, pp. 63-551.
- Merelman, R. M. (1992). Cultural Imagery and Radical Conflict in the United States: The Case of African- American, *British journal of political Science*, vol. 22, pp. 42- 315.
- Thibodeau, R. (1989). From Racism to Tokensim: The Changing face of Blacks in New Yorker Cartoons, *Public Opinion Quarterly*, vol. 53, pp. 94-482.
- Van Deberg, W. L. (1984). *Slavery and Race in American Popular Culture*, Madison, London: The University of Wisconsin Press.

پرتال جامع علوم انسانی